

عبدالحمید مولوی

### نیشابور مرکز خراسان

#### \* قدیم ترین پایگاه علوم اسلامی در ایران

در سواحل رودخانه‌های بزرگ، از قبیل نیل و دجله و فرات و کارون و سند و امثال آن بواسطه وجود آب فراوان، موجبات تمدن و شهرنشینی زودتر از جاهای دیگر مهیا بوده است و اگر در محلی رود بزرگ نبوده بناچار مردم در کنار رودهای کوچک کوهستانی، طرح سکونت انداخته و شهرنشینی را پایه گذاری کرده اند و بعداً در دامنه کوه‌های بزرگ، که آبریز وسیع تری دارد، ب فکر تهیه و جریان آب‌های زیرزمینی افتاده و مخصوصاً ایرانیان که فهم و درک بهتری داشته اند به حفر کارنیز پرداخته و با آب‌های زیرزمینی متناسب با ادوات زمان، اراضی زیادی از دشت دامنه کوه‌ها را آباد و تحت کشت و زرع در آورده اند.

دشت پهناور دامنه کوه نیشابور، که از مخازن برفهای کوه نیشابور بهره مند است بواسطه رودخانه «دیزباد» و «گرینه» و «دررود» و «خرو» و «بوژان» و «میرآباد» و «خرسفرود» زودتر از دیگر مناطق خراسان، جامه تمدن بخود پوشیده و آباد و مردم نشین شده است.

## بنای نیشابور

در موقعیت ممتاز این دشت مقرون به‌هوای معتدل و سبزیهای متنوع و اشجار گوناگون سالها قبل از اسلام، شهری در دامنهٔ جبال موصوف، بوجود آمده که بنای شهر را به‌شاپور فرزند اردشیر بابکان منسوب میدارند و شاپور دوم پادشاه ساسانی در تجدید بنا و گسترش شهر اقدامات مؤثر بعمل آورده است.<sup>۱</sup>

این شهر را نیشابور نامیده‌اند زیرا کلمهٔ «نه» بکسر «نون» و اظهار «ها» بمعنی شهر است و نیشابور، در اصل «نه شاپور» بوده و بعداً در تلفظ، ها مبدل به‌یا شده و آنجا را نیشابور گفته‌اند.<sup>۲</sup>

## نامهای دیگر نیشابور

برای نیشابور نامهای دیگری بنام ابرشهر و برشهر، و سمنجور (سمنگور) ذکر کرده‌اند، ولیکن نام معروف این شهر همان نیشابور است که اهل محل در تلفظ یا را محذوف داشته و شاپور می‌گویند و در بعضی از کتب تاریخ نیز این املاء دیده می‌شود و اعراب، نیشابور را به‌نیشابور تعریب کرده‌اند.

## نام مزارع عرصه شهر نیشابور قدیم:

ابوعبدالله الحاکم، مؤلف تاریخ نیشابور متوفای در سال چهارصد و پنج هجری قمری، عرصه شهر نیشابور قرون اولیهٔ اسلام را شامل شصت قریه دانسته و اسامی دهاتی که در شهر نیشابور مستحیل گردیده، ذکر می‌کند. و محتمل است که در قرن پنجم و ششم هجری دهات دیگری هم در ضمن گسترش شهر نیشابور، ضمیمه آن بلد شده باشد که از نام آنها اطلاعی در دست نیست و نام قرائی که نیشابور را در عهد مؤلف تاریخ، تشکیل می‌داده بنقل از «تاریخ ابوعبدالله الحاکم» چنین است.

۱- صفحه ۴۰۹ ترجمه جغرافیای تاریخی لسترنج

۲- ص ۴۴۲۵، لغت آندراج چاپ تهران.

- ۱- بوی آباد یا زیق معرب ژینک یا جیک
- ۲- خانانہ خشک
- ۳- شحنه علیا
- ۴- شحنه سفلی
- ۵- ماهک آباد
- ۶- سورین کوی
- ۷- دزدان (زندان دولتی نیشابور در این جا بوده)
- ۸- زمجار سفلی
- ۹- زمجار علیا
- ۱۰- باغ کبار
- ۱۱- وینک آباد
- ۱۲- عارک آباد
- ۱۳- دودیه یهود
- ۱۴- باغک
- ۱۵- شهرستان
- ۱۶- شاپور که بعداً نصرآباد نامیده شده
- ۱۷- لعانچی سفلی
- ۱۸- بثمان آباد
- ۱۹- داربجرد (داراب گرد)
- ۲۰- حیره
- ۲۱- طبرانه و این کوی را دزکان هم می گفته اند
- ۲۲- وافکر سلیط
- ۲۳- وافکر معاذ
- ۲۴- مناشک علیا
- ۲۵- مناشک سفلی
- ۲۶- خرقن علی آباد
- ۲۷- حافظ
- ۲۸- محفوظ
- ۲۹- باغ بهله
- ۳۰- زیرک آباد
- ۳۱- محمدآباد
- ۳۲- فول
- ۳۳- خندرون
- ۳۴- کنار سفلی
- ۳۵- راقعه
- ۳۶- سیمجرد علیا
- ۳۷- سیمجرد سفلی (سیم گرد)

- ۳۸- حفص آباد .  
 ۳۹- تلاجرود سفلی .  
 ۴۰- تلاجرود علیا .  
 ۴۱- جنجرود علیا (گنجرود)  
 ۴۲- جنجرود سفلی .  
 ۴۳- سهل .  
 ۴۴- تابشیش .  
 ۴۵- قباب (گنبدان)  
 ۴۶- خشنانه .  
 ۴۷- قنات حمزه علیا  
 ۴۸- خرك آباد .  
 ۴۹- عمروی آباد (عمرویه آباد)  
 ۵۰- قنات علیای جوری (گوری)  
 ۵۱- باب طاق (تاك)  
 ۵۲- مسجد .  
 ۵۳- جوری علیا .  
 ۵۴- جوری سفلی .  
 ۵۵- جوسق (كوشك)  
 ۵۶- سیمتویه .  
 ۵۷- حافظ .  
 ۵۸- سلمة .  
 ۵۹- سوانقادر علیا .  
 ۶۰- سوانقادر سفلی<sup>۴</sup> .

اضافه بر شصت قریب فوق، نام و فرات آباد، و دستجرد و سهرامقان (سهرامگان) و قنات جهم از دستجرد، وماغین و کرم بکر وفازرشک و رقاب فارس را چون بر جوانب شهر واقع بوده ذکر کرده است .  
 برخی از اسامی این دهات نام‌های بعد از اسلام را دارد و بعضی بهمان لغات قدیمی باقی بوده است و از این کیفیت میتوان حدس زد که شهر نیشابور در موقعی که مسلمین وارد آنجا شده‌اند کوچکتر بوده و سپس دهاتی از حومه شهر داخل آبادی شهر گردیده یا اینکه اسامی برخی دهات بعداً بنام دیگر مبدل شده است .

#### محلّات نیشابور

شهر نیشابور در عهد زندگی ابو عبدالله الحاکم که سال ۴۰۵ هجری قمری

۴- ص ۹۲۱ ترجمه کتاب تاریخ نیشابور الحاکم .

منتهی میشده چهل و هفت محله داشته که اسامی آنها عیناً از «تاریخ الحاکم» در اینجا نوشته میشود:

- ۱- محله جولاهکان که سیصد کوچه زیادت داشته.
- ۲- محله حیره که بازار نیشابور از سر حیره تا قرب روضه سلطان حسین بطول یکفرسنگ تماماً سرپوشیده و مسقف بوده است.
- ۳- محله جامعه
- ۴- محله بوی آباد که اهم محلات نیشابور بوده و مواضع دیگر را بآن مثل می زده اند و ابو مسلم مروزی صاحب الدعوه عباسی در ابتدای ورود به نیشابور در کاروان سرای این محله فرود آمده است.
- ۵- محله ملق آباد (ملق آباد = ملک آباد) که در علیای محله حیره واقع بوده است.
- ۶- محله میدان زیاد که بغایت بزرگ بوده است.
- ۷- محله نصرآباد (شاپور) که در علیای شهر واقع و مسکن علماء و تجار بوده.
- ۸- محله حوض کسلان (آب انبار کسلان) که در آنجا مسجدی نیز بوده است.
- ۹- محله زریق تعریب جیک یا ژیک که در علیای شهر نیشابور بوده.
- ۱۰- مناسک علیا.
- ۱۱- مناسک سفلی (در ضمن معرفی اعلام «تاریخ الحاکم» مناشک ذکر شده و شاید مناسک معرب مناشک باشد).
- ۱۲- محله دیز که صحابه در آنجا مسجدی ساخته اند.
- ۱۳- محله نمدآباد که بزرگ بوده است.

۵- ص ۳۹۷ مرصداطلاع چاپ سنگی تهران.

۶- ص ۲۰۷، مرصداطلاع.

- ۱۴- محله باب (دروازه) ابی‌الاسود .
- ۱۵- محله قباب (گنبدان) .
- ۱۶- محله خواست که متصل به شادیاخ بوده است .
- ۱۷- محله شادیاخ که مکان عبدالله بن طاهر بوده و یعقوب لیث آنجا را خراب کرده و بساتین قرار داده و بعد از آن جزو شهر شده است .
- ۱۸- محله جلاباد (گل‌آباد) متصل به شادیاخ که بزرگ بوده <sup>۷</sup> .
- ۱۹- نلاجرد متصل به جلاباد و خنجرود و بزرگ بوده است .
- ۲۰- محله خنجرود (گنج‌رود) <sup>۸</sup> .
- ۲۱- محله حفص آباد .
- ۲۲- محله حمزك آباد که محله ای بزرگ بوده .
- ۲۳- محله محمدآباد که باغات و آب‌انبارها داشته است .
- ۲۴- محله قر که بهترین محلات از جهت آب‌وهوا بوده و در معجم البلدان این محله بنام «قر» ذکر شده و نام دیگر آن را «بوژگان» ذکر کرده است .
- ۲۵- محله درباغ که باغ ابومسلم مروزی در آنجا بوده است .
- ۲۶- محله باب عقیل (دروازه عقیل) انسانی و مطالعات مرکزی
- ۲۷- محله باب عسکر که بازار آشپزها و طعام‌فروشان و علافان در آنجا بوده است .
- ۲۸- محله باب عروه .
- ۲۹- محله حرب .
- ۳۰- محله باب معاذ .
- ۳۱- محله بیدستان که درخت بید بسیار داشته است .

۷- ص ۱۱۶ مرصداالاطلاع تعریب گل‌آباد را تصریح دارد .

۸- ص ۱۱۹ مرصداالاطلاع، تعریب گنج‌رود ذکر شده .

- ۳۲- محله مرقعه که شاید محله مربعه یعنی چهارسو باشد که در نوشتن ،  
اسم آنرا کاتب تحریف کرده است .
- ۳۳- محله سرپل
- ۳۴- محله دزدان (زندان دزدان در نزدیکی دارالاماره نیشابور وقوع  
داشته) .
- ۳۵- محله باب معمر
- ۳۶- محله در باغ تلاجرد (تلاگرد) .
- ۳۷- محله میدان حسین
- ۳۸- محله سبجرد (سیم گرد) .
- ۳۹- الرقیبا .
- ۴۰- محله جوری (گوری) علیا که عیدگاه و مصلاهی نیشابور در آنجا  
بوده .
- ۴۱- محله جوری سفلی
- ۴۲- محله سر کوی
- ۴۳- محله سجد ستانه
- ۴۴- محله باغ رازیان که اهل علم و تجار در آنجا بسیار بوده اند .
- ۴۵- محله باغک متصل بمحله «قر» که عبدالله بن عامر در موقع ورود به  
نیشابور در آنجا منزل کرد و مسجد او در آنجا بوده است .
- ۴۶- محله زمجار (شاید زمگار) و در «مراصد الاطلاع» زمجار را  
(رمجار) ضبط کرده است .
- ۴۷- محله خرکل آباد، که متصل به «زمجار» بوده است. در کتاب الحاکم  
در صفحه ۱۲۴ اضافه بر محلات چهل و هفت گانه محلات دیگری بنام سرواقه، در  
طرف مغرب شهر نیشابور و محله کرمانیان را نیز ذکر کرده است .
- در «مراصد الاطلاع» که تلخیص «معجم البلدان یاقوت حموی» است ،  
محلات دیگری برای نیشابور ذکر کرده که محتمل است بعد از عهد ابو عبدالله

الحاکم بوجود آمده باشد بشرح ذیل :

- ۱- جیز آباد<sup>۹</sup> .
- ۲- محله دارابجرد (دارابگرد)<sup>۱۰</sup> .
- ۳- محله الرماده<sup>۱۱</sup> .
- ۴- محله سلس<sup>۱۲</sup> .
- ۵- محله فارویه<sup>۱۳</sup> .
- ۶- محله شاهنبر<sup>۱۴</sup> .
- ۷- محله عزره که شاید تحریف «عروه» باشد<sup>۱۵</sup> .
- ۸- محله فولو<sup>۱۶</sup> .
- ۹- محله کلاغستان<sup>۱۷</sup> .
- ۱۰- محله میدان، که شاید میدان زیاد یا میدان حسین یا میدان هانی باشد<sup>۱۸</sup> .
- ۱۱- محله میان<sup>۱۹</sup> .
- ۱۲- محله دور<sup>۲۰</sup> .

اسامی محلاتی که فوقاً ذکر شد عبارت است از آنچه ابو عبدالله الحاکم در کتاب «تاریخ نیشابور» نوشته و اسامی محلاتی که «مرصد الاطلاع» و «معجم البلدان» بنام محلات نیشابور در جغرافیاهای مذکور درج گردیده است .

محلات دیگر نیشابور

با مطابقت دقیق نام بزرگان نیشابور که الحاکم در تاریخ خود بتفصیل نوشته

- ۸- ص ۱۱۹ مرصد الاطلاع تعریب کنج رود ذکر شده .
- ۹- ص ۱۳۳ مرصد الاطلاع .
- ۱۰- ص ۱۶۶ همان کتاب .
- ۱۱- ص ۱۹۳ مرصد الاطلاع .
- ۱۲- ص ۱۹۳ همان کتاب .
- ۱۳- ص ۲۹۷ مرصد الاطلاع .
- ۱۴- ص ۲۳۵ مرصد الاطلاع .
- ۱۵- ص ۲۷۸ مرصد الاطلاع .
- ۱۶- مرصد الاطلاع .
- ۱۷- ص ۲۴۲ مرصد الاطلاع .
- ۱۸- ص ۳۹۰ همان کتاب .
- ۱۹- ص ۳۹۰ مرصد الاطلاع .
- ۲۰- ص ۱۹۸ جلد چهارم معجم البلدان چاپ مصر .



و مسکن برخی از آنها را در محلاتی ذکر کرده که نام آن محلات ضمن چهل و هفت محله‌ای که در آخر کتاب قلمداد کرده‌است نیست لذا نام محلات از قلم افتاده را استخراج کرده و در اینجا بدست می‌دهیم و منظورم این است که نام محلات آتی‌الذکر در زمان الحاکم، وجود داشته ولیکن بجتهی که برنویسنده مجهول‌است الحاکم نام آنها را ضمیمه چهل و هفت محله قرار نداده‌است باری اسامی محلات مذکور چنین است :

- ۱- محله قهندز (کهن در) ۲۱
- ۲- محله سعیدین الصباح ۲۲
- ۳- محله باغ سین ۲۳
- ۴- محله عمر آباد ۲۴
- ۵- محله دروان کوس ۲۵
- ۶- محله سرحوض ابی العنبر ۲۶
- ۷- محله میدان هانی ۲۷
- ۸- سلمة العنبری ۲۸
- ۹- محله باب‌الدير ۲۹
- ۱۰- محله ابی‌الاسود ۳۰
- ۱۱- محله قصر الجند ۳۱

بنا بر موارد معروضه محلات شهر نیشابور بشرح ذیل بوده‌است .

۱- آنچه الحاکم در صفحه ۱۲۳ تا ۱۲۴ تاریخ ذکر کرده باصافه دو محله «سرواقه» و «کرمانیان» چهل و نه محله .

۲- یازده محله دیگر که الحاکم ضمن فهرست اعلام نیشابور مسکن بعضی از اعلام را در آنجا ذکر کرده‌است .

- |                             |                              |
|-----------------------------|------------------------------|
| ۲۱- ص ۳۶ س ۸ تاریخ الحاکم   | ۲۲- ص ۲۳ سطر ۲۰ تاریخ الحاکم |
| ۲۳- ص ۵۲ سطر ۸ تاریخ الحاکم | ۲۴- ص ۵۲ سطر ۸ تاریخ الحاکم  |
| ۲۵- ص ۶۵ سطر ۵ تاریخ الحاکم | ۲۶- ص ۶۶ س ۶ تاریخ الحاکم    |
| ۲۷- ص ۸۸ س ۱۵ تاریخ الحاکم  | ۲۸- ص ۱۰۹ س ۴ تاریخ الحاکم   |
| ۲۹- ص ۶۶ سطر ۶ تاریخ الحاکم | ۳۰- ص ۲۹ س ۵ تاریخ الحاکم    |
| ۳۱- ص ۲۳ س ۱۱ تاریخ الحاکم  |                              |

۳- محلاتی که در «معجم البلدان» و «مرصدالاطلاع» است و تاریخ نیشابور اسامی محلات مذکور را ندارد و از ده محله لذا جمع محلات معروض در صفحات این وجیزه بهفتاد و دو محله بالغ میگردد و این تعداد محلات تا اندازه‌ای وسعت و بزرگی شهر نیشابور قدیم را در نظر خوانندگان عظام مجسم می‌سازد.

### دروازه‌های نیشابور

شهر نیشابور در قسمت قهندز آن، دو دروازه، و در شهر، چهار دروازه بنام دروازه پل و دروازه معقل و دروازه قهندز و دروازه پل تکین داشته‌است. در قرن چهارم هجری شهر نیشابور شهری بزرگ و آباد بوده و عرصه منازل شهر را یکفرسنگ در یک فرسنگ نوشته‌اند و مسجدی در خود شهر از آثار عمرو لیث صفاری در مقابل میدان لشکرگاه داشته‌است. بازار شهر نیشابور در حومه آن وقوع داشته و دروازه‌های متعددی در آبادی حومه شهر بنام دروازه قباب (گنبدان) ذکر شده که بطرف غرب مفتوح میشده و مقابل آن دروازه جنگ و در طرف مشرق روبروی ولایت پشت فروش وقوع داشته‌است.<sup>۳۲</sup> در سمت جنوب نیشابور دروازه احوص آباد واقع بوده‌است.<sup>۳۳</sup> و دروازه‌های دیگری بنام باب معمر<sup>۳۴</sup> و باب ابی‌الاسود<sup>۳۵</sup> و باب عروه<sup>۳۶</sup> و باب الدیر<sup>۳۷</sup> و باب الری<sup>۳۸</sup> در مورد دروازه‌های نیشابور در تاریخ ابو عبدالله الحاکم ضبط شده و

۳۲- پشت فروش را اکنون پیش فروش میگویند و این آبادی از موقوفات آستان

قدس رضوی است که در مغرب قریه قدمگاه نیشابور واقع است.

۳۳- ص ۴۱۰ جغرافیای لسترنج . ۳۴- ص ۴۳، ص ۶ تاریخ الحاکم

۳۵- ص ۳۹، ص ۴ تاریخ الحاکم . ۳۶- ص ۴۵، ص ۱۱ تاریخ الحاکم

۳۷- ص ۶۶، ص ۶ تاریخ الحاکم . ۳۸- ص ۲۷، ص ۹ تاریخ الحاکم

دروازه شوخان<sup>۳۹</sup> و در زکیه<sup>۴۰</sup> در کتاب «اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی السعید» بمناسبتی ذکر آن رفته است و نیز دروازه‌های باب‌عسکر و باب عقیل و باب معاذ در کتاب الحاکم نوشته شده و تمام دروازه‌های نیشابور که در کتب مختلفه اسمی از آنها برده شده به هفده دروازه بالغ می‌گردد.

#### بازارهای نیشابور

بازار بزرگ شهر نیشابور موسوم بی‌بازار چهارسوی بزرگ بوده و بازار دیگری بنام چهارسوی کوچک داشته که یکی از این دو چهارسوی را چهارسوی کرمانیان می‌گفته‌اند<sup>۴۱</sup> و بازارهای دیگری این دو بازار را عموداً قطع می‌کرده. و بازار بزرگ از شمال بدروازه سرپل و از جنوب بگورستان حسین امتداد داشته است و شاید نام دیگر آن بازار حیره بوده باشد و در این بازارها تیم‌ها و تیمچه‌ها و سراهائی برای اصناف مختلفه وجود داشته که هر صنفی در محلی جدا از دیگران جای مخصوصی را داشته و کفشان و بزازان و خرازی‌فروشان و آهنگران هر یک سرائی خاص بخود در اختیارشان بوده است.<sup>۴۲</sup>

#### آبهای نیشابور

در داخل منازل شهر نیشابور قنواتی بعمق صد پله و بیشتر و کمتر عبور می‌کرده که اهالی در قنوات داخل شهر پایاب و سردابه داشته‌اند و آب رودخانه بشتنقان (پستنگان) شاید (پوشنگان) که اکنون معرب آن فوشنجان که در دو فرسنگی شهر فعلی نیشابور وقوع دارد) عرصه منازل و باغات شهر را سیر آب می‌کرده است و برای نظم در آبیاری محلات، مأمورینی مراقب نظم و ترتیب آبیاری بوده‌اند.

۳۹- ص ۱۲۰، س ۳۱، کتاب اسرار التوحید، چاپ تهران.

۴۰- ص ۱۹۶، س ۴ اسرار التوحید چاپ تهران.

۴۱- ص ۵۶، کتاب اسرار التوحید. ۴۲- ص ۴۱۰ جغرافیای تاریخی لسترنج.

شهر نیشابور از بلاد معتدله و بسیار خوش آب و هواست و مخصوصاً بین الطلوعین نیشابور صفای خاصی باین شهر می‌بخشد.

ابن حوقل صاحب «مسالك و ممالك» مینویسد در خراسان شهری خوش آب و هوا و آبادتر از نیشابور نبوده‌است بازرگانان شهر، ثروتمند و هر روز کاروانهائی باین شهر وارد میشده و انبارهای شهر را بانواع امتعه مملو می‌ساخته‌اند.

پارچه‌های ابریشمی و نخی شهر نیشابور را بنواحی دیگر برای تجارت حمل می‌کرده‌اند.<sup>۴۳</sup>

### کوچه‌های نیشابور

شهر نیشابور مشحون بمحلات و کوچه‌های بسیار بوده‌است، نام کوچه‌ها را در کتابی ندیده‌ام ولیکن ابو عبدالله الحاکم ضمن ذکر اعلام نیشابور کوچه‌هائی را در مورد مسکن اعلام کتاب نام میبرد که ذیلاً آنچه بنظر رسیده قلمداد می‌گردد.

- ۱- کوچه یعقوب الوراق (یعقوب بن معقل) که در محله زمجار بوده.<sup>۴۴</sup>
- ۲- کوچه خندق.<sup>۴۵</sup>
- ۳- کوچه حذام در باب عروه.<sup>۴۶</sup>
- ۴- کوچه سکس.<sup>۴۷</sup>
- ۵- کوچه حمدان.<sup>۴۸</sup>
- ۶- کوچه عباس بن حمزة الواعظ.<sup>۴۹</sup>
- ۷- کوچه عاصم.<sup>۵۰</sup>
- ۸- کوچه حرب.<sup>۵۱</sup>

۴۳- ص ۴۱۱ جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی لسترنج

۴۴- ص ۶۰ س ۲۱ تاریخ الحاکم

۴۵- ص ۶۲ س ۷ تاریخ الحاکم

۴۶- ص ۶۲ س ۱۶، تاریخ الحاکم

۴۷- ص ۶۵ س ۱۸، تاریخ الحاکم

۴۸- ص ۶۶ سطر ۱۰، تاریخ الحاکم

۴۹- ص ۵۰ س ۴ همان کتاب

۵۰- ص ۶۹ س ۲۰، تاریخ الحاکم

۵۱- ص ۶۹ س ۲۰، تاریخ الحاکم

- ۹- کوچه ابی ذر که در باب معمروقوع داشته <sup>۵۲</sup>.
- ۱۰- کوچه رشنه که در باب معاذ بوده <sup>۵۳</sup>.
- ۱۱- کوچه باذان <sup>۵۴</sup> . ۱۲- کوچه عمار <sup>۵۵</sup>.
- ۱۳- کوچه زنجویه در چهارسوی کوچک <sup>۵۶</sup>.
- ۱۴- کوچه طرخان <sup>۵۷</sup>.
- ۱۵- کوچه ادلی (شاید اولی) در محله باغ الزار <sup>۵۸</sup>.
- ۱۶- کوچه امام یحیی بن محمد یحیی <sup>۵۹</sup>.
- ۱۷- کوچه معقل <sup>۶۰</sup> . ۱۸- کوچه یحیی الذهلی <sup>۶۱</sup>.
- ۱۹- کوچه صرامین <sup>۶۲</sup> . ۲۰- کوچه معن آباد <sup>۶۳</sup>.
- ۲۱- کوچه عباس آباد (پلاس آباد) <sup>۶۴</sup>.
- در کتاب «اسرار التوحید» و «مرصد الاطلاع» و «معجم البلدان»  
کوچه‌های دیگری ذکر شده که ذیلاً نوشته میشود.
- ۲۲- کوچه خالد <sup>۶۵</sup>.
- ۲۳- کوچه خر جوش معرب خر گوش <sup>۶۶</sup>.

- ۵۲- ص ۷۰، ۶ س ۶ . ۵۳- ص ۷۲، ۶ س ۶ .
- ۵۴- ص ۲۵، ۲۰ س ۲۰ . ۵۵- ص ۲۶، ۲ س ۲ تاریخ الحاکم .
- ۵۶- ص ۲۷، سطر بیستم تاریخ الحاکم . ۵۷- ص ۳۱، سطر ۶ تاریخ الحاکم .
- ۵۸- ص ۲۱، ۱۴ س ۱۴ تاریخ الحاکم . ۵۹- ص ۲۸، ۷ س ۷ تاریخ الحاکم .
- ۶۰- ص ۴۶، سطر اول . ۶۱- ص ۳۸، ۷ س ۷ .
- ۶۲- ص ۱۶، سطر بیستم . ۶۳- ص ۲۷، سطر ۱۵ .
- ۶۴- ص ۱۲۲، تاریخ الحاکم . ۶۵- ص ۱۴۶، مرصد الاطلاع .
- ۶۶- ص ۱۵۱، مرصد الاطلاع .

- ۲۴- کوچه معاذ<sup>۶۷</sup> .
- ۲۵- کوچه حجاج<sup>۶۸</sup> .
- ۲۶- کوچه عدنی کوبان<sup>۶۹</sup> .
- آشکده و کلیسا و کنشت نیشابور
- در نیشابور بنای کلیسای مسیحیان و کنشت یهودیان در قرون اولیه اسلام هنوز باقی بوده است<sup>۷۰</sup> .
- و بطوری که سبق ذکر یافت آشکده زردشتیان در کوچه آشکده نیشابور واقع بوده است<sup>۷۱</sup> .
- کاروانسرای نیشابور
- شهر نیشابور، متناسب با جمعیت زیاد خود تجارت مفصلی داشته و بدیهی است برای محل کار تجار، کاروانسراهای متعددی ساخته شده بوده و بعضی از کاروانسراها محل نزول کاروانهای تجار و مسافران باین شهر بوده که در آنجا سکونت موقت داشته‌اند. و نام تمام این قبیل ابنیه درجائی ضبط نشده مع الوصف آنچه از اسامی کاروانسراها بنظر رسیده در ذیل نوشته میشود :
- ۱- کاروانسرای عربکه در ملقباد<sup>۷۲</sup>
- ۲- کاروانسرای سعیدبن الصباح<sup>۷۳</sup>
- ۳- کاروانسرای دستی شاید مغرب دشتی (مزرعه دشت در دو فرسنگی نیشابور کنونی وقوع دارد)<sup>۷۴</sup> .
- ۴- کاروانسرای بوی آباد که محل ورود ابو مسلم مروزی بوده است<sup>۷۵</sup> .

۶۸- ص ۹۴، جلد دوم معجم البلدان

۶۷- ص ۲۷۵ مرصد الاطلاع

۷۰- ص ۷۶ و ۱۰۶ اسرار التوحید

۶۹- ص ۴۷ اسرار التوحید چاپ بهمنیار

۷۲- ص ۱۷ س ۴ تاریخ الحاکم

۷۱- ص ۴۱ س ۱۲ تاریخ نیشابور

۷۴- ص ۲۸ س ۵ تاریخ الحاکم

۷۳- ص ۲۳ س ۲۰ تاریخ الحاکم

۷۵- ص ۱۲۲ س ۱۲ تاریخ الحاکم

۵- کاروانسرای میکالیان<sup>۷۶</sup> . ۶- کاروانسرای رخس<sup>۷۷</sup> .

اسامی بقیه کاروانسراهای نیشابور را درجائی ندیده‌ام .

### گورستان‌های نیشابور

گورستانهای شهر نیشابور در داخل شهر واقع بوده و چنین بنظر میرسد که غالب محلات بزرگ نیشابور گورستانی داشته و نام گورستانهایی که در کتاب «تاریخ ابوعبدالله الحاکم» ضمن حالات و نام بزرگان نیشابور ذکر شده چنین است :

۱- گورستان حیره که آن را گورستان نصر بن زیاد القاضی گفتندی<sup>۷۸</sup> .

۲- گورستان باغک<sup>۷۹</sup> .

۳- گورستان جنیداله (شاید جندالله یعنی لشکر خدا باشد) .

۴- گورستان مصلی<sup>۸۰</sup> . ۵- گورستان علویه<sup>۸۱</sup> .

۶- گورستان باب معمر که قبر احمد بن حرب و یحیی بن معاذ و بسیاری

از علماء در آنجا بوده است<sup>۸۳</sup> . ۷- گورستان شادیاخ<sup>۸۳</sup> .

۸- گورستان تلاجر در که مرقد امامزاده محمد بن محمد بن زید بن علی بن

الحسین علیه السلام در آنجا بوده و اکنون بر مرقد امامزاده بنائی از عهد صفویه پابرجاست<sup>۸۴</sup> .

۹- گورستان شاهنبر که بسیاری از علماء آنجا مدفونند<sup>۸۵</sup> .

۷۶- ص ۲۴۱ ، س ۱۵ اسرار التوحید ۷۷- ص ۱۸۸ مرصد الاطلاع .

۷۸- صفحه ۷۰ ، س ۱۱ تاریخ الحاکم ۷۹- ص ۷۸ سطر ۱۷ تاریخ الحاکم

۸۰- ص ۹۶ س ۴ تاریخ الحاکم ۸۱- ص ۹۹ ، س ۲

۸۲- ص ۹۹ ، س ۸ ۸۳- ص ۳۳ ، س ۷

۸۴- ص ۲۹ ، س ۱۱ ۸۵- ص ۱۴۴ ، سطر بیستم .

- ۱۰- گورستان فز معرب بوژ<sup>۸۶</sup> .
- ۱۱- گورستان باب عروه قبر حسن بن معاذ و حسین بن الولید القرشی و حفص بن عبدالرحمن و بسیاری دیگر ، در آنجا بوده است<sup>۸۷</sup> .
- ۱۲- گورستان عبدالله طاهر که احفاد و عشیره او و سادات علویه در آنجاست<sup>۸۸</sup> .
- ۱۳- گورستان جل آباد (گل آباد) که اولیاء کبار و علماء در آنجا آسوده اند<sup>۸۹</sup> .
- ۱۴- گورستان میدان زیاد<sup>۹۰</sup>
- ۱۵- گورستان حسین بن المعاذ<sup>۹۱</sup>
- ۱۶- گورستان ابوعلی الثقفی<sup>۹۲</sup> .
- احتمال می رود که گورستانهای بیشتری در داخل نیشابور وجود داشته ولیکن آنچه بمناسبتی ضمن نام بزرگان نیشابور ذکر شده بشرحی است که معروض گردید .

## مدارس نیشابور

در شهر نیشابور مدارس بسیاری در چهار قرن ابتدای اسلام برای طالبان علوم دینی ساخته شده بوده است و حافظ ابرو در کتاب تاریخ خود (مؤلفه در ابتدای قرن نهم هجری) نگاشته که نیشابور دارای هیئت مدرسه منسوب بخلفاء و هفده مدرسه برای اصحاب شافعی بوده<sup>۹۳</sup> و یکی از مدارس مهم نیشابور مدرسه نظامیه از ابنیه خواجه نظام الملک طوسی بوده است و خواجه مذکور در بغداد و

۸۷- ص ۱۴۵ + ص ۷

۸۶- ص ۱۴۵، ص ۲

۸۹- ص ۱۴۵، ص ۲۱

۸۸- ص ۱۴۵، ص ۶

۹۱- ص ۴۰، ص ۸

۹۰- ص ۲۰، ص ۴

۹۲- ص ۹۲، ص چهار

۹۳- ص ۲ تاریخ نیشابور آقای مؤیدنابتی .



بصره و اصفهان و بلخ و مرو و هرات نیز نظامیه برای طلبه علوم دینی ساخته بوده که شیخ سعدی علیه‌الرحمه مدتی در «نظامیه بغداد» تلمذ می‌کرده است و با توجه به اطلاعات فوق، فقط اسم چهار مدرسه از اسامی مدارس نیشابور بدست است که ذیلاً نگاشته میشود:<sup>۹۴</sup>

- ۱- مدرسه ابواسحق ابراهیم بن سیمجور واقع در باغ دارس نیشابور .
- ۲- مدرسه میان دیه که بانی آن ابواسحق ابراهیم بن محمود بن حمزه الفقیه الحاکم معروف به قطان بوده است.<sup>۹۵</sup>
- ۳- مدرسه سراجان<sup>۹۶</sup>
- ۴- مدرسه صابونی<sup>۹۷</sup> و نام بقیه مدارس نیشابور را تاکنون در کتابی ندیده‌ام .

#### مساجد نیشابور

در شهر نیشابور مساجد بسیاری بنیان گردیده بوده است که اولین مسجد را عبدالله بن عامر دائی زاده عثمان بن عفان پس از خراب کردن آتشکده قهندز نیشابور در زمین آتشکده ساخته و این مسجد مناره نداشته است<sup>۹۸</sup> ویزید بن مهلب چون در نیشابور حاکم شد مناره مسجد قهندز را بنا نهاد .

مسجد جامع نیشابور را ابو مسلم مروزی صاحب‌الدعوه بنا کرده و سی جریب مساحت زمین مسجد بوده و هزار ستون (پایه) برای نگهداری سقف مسجد تعبیه شده بوده و در یکنوبت شصت هزار نفر میتوانند در مسجد جامع اداء

۹۴- ص ۶۴، س ۲ تاریخ الحاکم

۹۵- ص ۴۰، س ۱۱ تاریخ الحاکم

۹۶- ص ۹۶، س ۸ کتاب اسرار التوحید

۹۷- ص ۲۹، س ۲۳ جلد چهارم روضة الصفا چاپ کتابخانه خیام تهران

۹۸- ص ۱۴۱، س ۱۳ تاریخ الحاکم

فریضه نمایند .

در جامع نیشابور، آب جاری و حوضها برای وضوگرفتن نمازگزاران موجود بوده و در وسط مسجد یخدانی ساخته بوده‌اند که در زمستان از برف انباشته می‌شده و در تابستان بیماران و سایر مردم از برف یخدان مستفید می‌گردیده‌اند .

در فضای مسجد اشجار ناژو (کاژ - کاج) و درخت توت کاشته بوده‌اند و صدنفر خادم برای مراقبت در تنظیف و تطهیر و انتظامات مسجد موظف بوده و اوقاف مسجد در حدود صد هزار مثقال زر ارزش داشته‌است .

در مسجد جامع، بنای دیگری دارای ۱۲ ستون بوده که شش ستون آن سنگ مرمر و ۲ ستون از چوب اشجار کنار دجله و چهار ستون دیگر را با خشت پخته و گچ بنا نهاده بوده‌اند .

و این بنا قبه و گنبدی مذهب داشته مقومان، زرر قبرها بیست هزار مثقال تقدیر می‌کرده‌اند و در حدود صد هزار مثقال زر ارزش منابر و صندوقها و قندیلها و فرش و سایر لوازم مسجد را تخمین می‌زده‌اند .

### مناره جامع نیشابور

مسجد جامع ابو مسلم مناری داشته که بعضی آن را کوتاه می‌گفته‌اند و چون نوبت حکومت نیشابور به منصور بن طلحة بن طاهر برادرزاده عبدالله بن طاهر رسید منار مسجد را خراب کرد و مناری قوی‌تر و بلندتر برافراخت و عمارت منار را بزینت و تذهیب آراسته کرد و بطریق هندسه چنان کردند که در دوره سال، از سایه منار انتقال شب و روز معلوم شدی (شاید از این مناره استفاده ساعت آفتابی می‌کرده‌اند) و چون نوبت حکومت به عمرو لیث صفاری رسید منار را برانداخت و منار دیگری ساخت و نام و لقب خود را بر مناره نگاشت و چون نوبت حکومت به خمار تکین رسید مناری ساخت بطوری که در دنیای آن روز عجیب‌تر و بلندتر

و آراسته‌تر و پیراسته و دایرتر از آن در هیچ شهری نبود و بهندسه چنان کردند که چون باد آمد فراخورر قوه باد، آن مناره حرکت کردی اما نیفتادی و هیچ خستی و جزئی از وی فاسد نشدی<sup>۹۹</sup> (ظاهراً هر دو منار جنبان بوده‌است).

پس از اینکه ابو عبدالله الحاکم نام مسجد عبدالله بن عامر و جامع ابو مسلم را ذکر کرده نام مساجد دیگری را بشرح ذیل قلمداد می‌کند:

۱- مسجدی که صحابه در وقت فتح نیشابور در محله شاهنبر بنا کرده و در آنجا نماز گزارده‌اند.

۲- مسجد محله فرز که جوار منزل حضرت رضا علیه السلام بوده و چند روزی در نیشابور حضرت در آن نماز گزارده‌اند.

۳- مسجد معروف بمسجد روی بکوه که مسجدی قدیم و عزیز بوده‌است.

۴- مسجد دروازه معمر که در میان دو گورستان واقع بوده.

۵- مسجد رجاء بن معاذ بن مسلم.

۶- مسجدی که مصلائی جنیان گفتند.

۷- مسجد دروازه قهندز که بیش از نه ماه صحابه در آنجا عبادت کرده‌اند.

۸- مسجد سرای معاذ.

۹- مسجد امام یحیی متعل بسرای بستان.

۱۰- مسجد ابن حرب.

۱۱- مسجد ایوب بن الحسن.

۱۲- مسجد حمش (لغت دیگر محمد) بشیوه نیشابوریان قدیم<sup>۱۰۰</sup>

مساجد نامبرده فوق را ابو عبدالله الحاکم در آخر کتاب «تاریخ نیشابور» ذکر کرده و در همان کتاب ضمن ذکر بزرگان نیشابور، نام مساجد دیگری را

۹۹- ص ۱۴۳ و ۱۴۴ ترجمه تاریخ الحاکم با تغییر مختصری در عبارات.

۱۰۰- ص ۱۴۳ ترجمه تاریخ نیشابور الحاکم.

بمناسبتی ذکر کرده که از صفحات مختلف کتاب الحاکم نام مساجد دیگر را فراهم کرده و ذیلاً می‌نگارم .

- ۱۳- مسجد ابو عبدالله المطوعی (صفحه ۲۲ سطر ۱۱ همان تاریخ) .
- ۱۴- مسجد احمد بن حاج ابوالقاسم (صفحه ۱۹، سطر ۵ تاریخ مذکور) .
- ۱۵- مسجد منیع یا منیع (صفحه ۳۳ تاریخ نیشابوری مؤید ثابتی) .
- ۱۶- مسجد محمد بن عقیل که در سرکوچه حرب وقوع داشته (صفحه ۱۵ سطر ۱۴، تاریخ الحاکم) .
- ۱۷- مسجد اصرم بن غیاث که در محله «زمجار» واقع بوده (صفحه ۱۵، سطر ۱۴ تاریخ الحاکم) .
- ۱۸- مسجد عتیق در محله ملقباد (صفحه ۶ سطر ۲۱، تاریخ الحاکم) .
- ۱۹- مسجد میان‌دیه که بانی آن ابواسحق الحاکم معروف بقطان بوده ، (صفحه ۴۰، سطر ۱۱ تاریخ الحاکم) .
- ۲۰- مصلاهی واقع در محله حیره (صفحه ۴۳، سطر ۱۹، تاریخ الحاکم) .
- ۲۱- مسجد عبیدالله بن ابراهیم بن بالویه در کوچه معقل (صفحه ۶۸، سطر ۸، تاریخ الحاکم) .
- ۲۲- مسجد کسلان واقع در محله کسلان (صفحه ۱۲۳، سطر ۶ تاریخ الحاکم) .
- ۲۳- مسجد دیزر که صحابه ساخته بوده‌اند (صفحه ۱۲۳، سطر ۱۰، تاریخ الحاکم) .
- ۲۴- مسجد مطرز که اهم مساجد نیشابور بوده‌است <sup>۱۰۱</sup> .
- ۲۵- مسجد عقلا یا معقل <sup>۱۰۲</sup> .

۱۰۱- ص ۶۰، سطر اول اسرار التوحید.

۱۰۲- ص ۲ تاریخ نیشابور آقای مؤید ثابتی

این بود اسامی مساجدی که ابو عبد الله الحاکم بمناسبتی نام آنها را در کتاب خود نوشته و یا در «اسرار التوحید» ضمن حالات ابوسعید ابوالخیر ذکر شده است.

### کتابخانه‌های نیشابور

در مساجد نیشابور و در مدارس آنجا، کتابخانه‌هایی بوده که ظاهراً تمام یا غالب آب کتب در حمله طوایف ترکمانان غز و در سانحه فجیعۀ مغول، از بین رفته است و در مسجد عقلا پنجهزار جلد کتاب موجود بوده است و بنقل تاریخ حافظ ابرو شهر نیشابور در حدود سیزده یا چهارده کتابخانه برای استفاده عموم داشته که بعضی سوخته و برخی را غارت کرده‌اند.<sup>۱۰۳</sup>

و از عجایب روزگار این است که یکی از کتب غارت شده مسجد منیعی نیشابور بنام کتاب ابانۀ یا کتاب الصناعتین در علم فصاحت و بلاغت تألیف ابو هلال حسن بن عبدالله بن سهل عسکری در کتابخانه آستان قدس رضوی اکنون باقی و موجود است و احمد بن حامد نامی در پشت کتاب مذکور فتنه غزو غارت دار الکتب مسجد منیعی نیشابور را نوشته و ذکر کرده که کتاب را عبدالجلیل وقف کرده و اقرار نموده که کتاب از او نیست و بیع و شری در این کتاب جایز نمی‌باشد و بعداً معلوم نیست بوسیله چه کسی کتاب مذکور بکتابخانه آستان قدس رضوی تسلیم گردیده است تاریخ تحریر کتاب سال ۳۹۴ هجری قمری است و نزدیک بهزار سال این کتاب عمر دارد و این بنده آن را دیده‌ام.

### عظمت نیشابور

با توجه بنام محلات و مساجد و مدارس و گورستانها و بازارها و کوچه‌ها و دروازه‌های شهر نیشابور چنین بنظر میرسد که خوانندگان عظام عنایت میفرمایند که نیشابور شهری بزرگ و بسیار آباد بوده است و حتی قبل از اسلام

موقعیت بسیار ممتازی داشته و یکی از شهرهای بزرگ خراسان بشمار می‌رفته است و با اینکه بنای شهر را به شاپور فرزند اردشیر نسبت می‌دهند در کشفیات که در خرابه‌های شهر قدیم نیشابور تاکنون بعمل آمده واضح گردیده است که شهر نیشابور قدمت بسیار زیادتری دارد و در اکتشافات اخیر واضح شده که این شهر دارای چندین نوبت آبادی و خرابی است، و برای تعیین قدمت واقعی این شهر هنوز مطالعات باستان‌شناسی خاتمه نیافته و با ادامه اکتشافات مذکور شاید در سالهای بعد روشن گردد که نیشابور تا چه اندازه سابقه آبادی و قدمت دارد.

#### ورود مسلمین به نیشابور

در هر حال نیشابور موصوف، در سال ۱۷ یا ۲۳ قمری در عهد عمر بن الخطاب بدست احنف بن قیس بتصرف مسلمین درآمده و ماهویه که از طرف یزدگرد ساسانی حاکم نیشابور بوده فرار کرده و خراسان را بدون جنگ و نزاع، مسلمین متصرف شده‌اند. و در عهد عثمان بن عفان حکومت خراسان به عبداللّه بن عامر دائی زاده خلیفه وقت مفوض شده و نامبرده با عده زیادی از صحابه و تابعین برای ترویج دین اسلام به نیشابور آمده و مردم غیر مسلمان نیشابور اعم از زردشتی و یهود و مسیحی قبول پرداخت جزیه کرده‌اند.

در موقع حکومت عبداللّه بن عامر در قهندز نیشابور آتشکده بزرگی بوده و در بخش‌های اطراف شهر نیشابور نیز آتشکده‌های دیگر وجود داشته است. از آتشکده‌های اطراف نیشابور دو آتشکده تاکنون باقی است که یکی در جلگه رخ و دیگری در بلوک عشق‌آباد نیشابور وقوع دارد و در این مورد توضیحات لازم را در کتاب «آثار باستانی خراسان» معروض خواهیم داشت. عبداللّه بن عامر بمجرد ورود به نیشابور آتشکده کهن دژ (قهندز) را خراب کرد و بجای آن مسجدی بنیان گذارد و این مسجد اولین مسجد نیمه اول قرن یکم هجری قمری نیشابور است.

مردم نیشابور که پرداخت جزیه را قبول کرده بودند بر خراب کردن آتشکده قهندز معترض شده و عبدالله عامر محل دورتری را در شهر نیشابور برای آتشکده معین کرد و باین جهت قسمتی از شهر نیشابور را کوچه آتشکده می گفته اند<sup>۱۰۴</sup>. مهاجرین به نیشابور از صحابه و تابعین که از حجاز و جاهای دیگر به نیشابور آمده بودند از نظر وسعت و زیادی سکنه و از حیث تجارت نیشابور را مهم ترین شهر خراسان یافتند و هوای معتدل و فراوانی ارزاق و انواع میوه ها و سایر امتیازات نیشابور دامن گیر آنها شده و سکونت در این شهر را بسیار بمورد دانستند و بعلاوه از مفاد بعضی اخبار و احادیث شنیده بودند که نیشابور بهترین جای خراسان است و باین جهت رغبت بیشتری در سکونت این شهر برای مسلمین در صدر اسلام پیدا شد.

#### بهترین جای خراسان نیشابور است

در ترجمه تاریخ نیشابور ابو عبدالله الحاکم ذکر شده که ابن جریج (از کبار تابعین) فرموده که بهترین جای خراسان نیشابور است. پرسیدند برای خود فرمودید گفت بل شنیده ام از حدیث و این حدیث مروی از ابن مخارق از پیغمبر اسلام است: قال: خیر خراسان نیشابور.

و نیز روایت است از ابراهیم بن طهمان که از کبار تابعین است که خیر خراسان نیشابور است. و عبدالله مؤذن نیشابوری گفت که حضرت خواجه (پیغمبر) را صلوات الله و سلامه علیه بخواب دیدم فرمودند: من این انت؟ از کجائی تو؟ گفتم از نسابور فرمودند: نعم البلد نسابور: نیک شهر است نسابور<sup>۱۰۵</sup>.

#### ابتدای تعلیم قرآن

اول کسی که در نیشابور قرآن را تعلیم داد یحیی بن صبیح معلم قرآنست و

۱۰۴- ص ۱۴۲ ترجمه تاریخ نیشابور ابو عبدالله الحاکم چاپ تهران.

۱۰۵- ص ۷ ترجمه تاریخ نیشابور ابو عبدالله الحاکم.

مسجد یحیی بن صبیح بر در کاروانسرای معربکه بوده است و نیز ابوزکریا بن عبدالرحمن تمیمی معلم قرآن است در نسابور متولد شده و اولاد او در معیره مدفونند<sup>۱۰۶</sup>. مهاجرین به نیشابور از صحابه و تابعین که در دین اسلام واحکام آن بینائی حاصل کرده بودند، در شهر نیشابور بترویج اسلام همت گماشته و با بیانات مؤثر خود تدریجاً زردشتیان و سایر مردم نیشابور را بقبول اسلام راغب می ساختند و در واقع رواج دین را در خراسان صحابه و تابعین بنیان گذاری کردند و نیات مروجین اسلام رفته رفته بقدری در نیشابور بسط یافت که نیشابور مرکز علمی و دینی اسلام گردید.

وفور علماء و دانشمندان و ادباء و مفسرین و متکلمین و شعراء و فقهاء و لغویین و نحویین و ریاضیین نیز شهر نیشابور را معروف و مشهور آفاق ساخت.

#### اعلام نیشابور

در ظرف چهار قرن ابتدای اسلام تعداد اعلام نیشابور به دوهزار و ششصد و هشتاد و پنج نفر بالغ گردیده که از این عده یک هزار و هشتصد و شش نفر مربوط بشهر نیشابور و هشتاد و نه نفر دیگر از هفتاد و هفت بلد اسلامی که اسامی آن شهرها قریباً قلمداد می گردد به نیشابور آمده و به تحصیل علوم دینی پرداخته و جزو اعلام نیشابور شده و در همین شهر جان بجان آفرین تسلیم کرده اند.

#### مقایسه شهر بغداد با شهر نیشابور

شهر بغداد که مرکز علمی و دینی قرون بعدی اسلام است در سال ۱۴۵ قمری بنای حصار شهر شروع گردیده و در سال ۱۴۹ قمری خاتمه یافته است و با توجه باینکه تا بغداد مرکز توقف علمای روز و دانشمندان وقت قرار گیرد مدتی را که اقلاً پنجاه سال حدس زده میشود ضرورت خواهد داشت، لذا روشن میشود



که شهر بغداد در دو قرن ابتدای اسلام از نظر علمی و دینی اهمیتی پیدا نکرده بود و در قرون بعد مشحون با افراد علمی شده است و با اینکه بغداد پایتخت خلفای عباسی بوده و برای پیشرفت علوم مختلفه تسهیلات زیاد وجود داشته است مع الوصف با پیدایش مرکز علمی بغداد شهر نیشابور که سابقه علمی قدیم تری داشته در قرون بعد با بغداد هم رتبه بوده و موقعیت علمی و دینی خود را کاملاً محفوظ داشته است و با مراجعه بتواریخ قرون اولیه اسلام، هیچ شهری مانند نیشابور در بلاد اسلامی از شرق تا غرب وجود نداشته و بکوتاهی سخن میتوان گفت که اهمیت علمی نیشابور در ترویج دین اسلام و بسط علوم مختلفه آن مانند نداشته است و چون نیشابور جزو خراسان است عبارت دیگر میتوان گفت که خراسان در ترویج دین اسلام و تألیف کتب دینی و پیشرفت علوم متداوله وقت، بر تمام ممالک اسلامی تفوق داشته و علمدار نشر احادیث و احکام قرآن و بسط علوم دینی در روی زمین بوده است.

اکنون برای مزید توضیح و تبیین مراتب فوق، نام بعضی از صحابه و تابعین و اتباع التابعین، و نام افرادی که از شهرهای دیگر برای کسب علوم به نیشابور هجرت کرده و ساکن و جزو اعلام آنجا شده اند ذیلاً می نگاریم تا شناسائی بیشتری در اهمیت شهر نیشابور که بدست لشکر خونخوار مغول بکلی خراب و تسطیح شده و در روی خرابه های این شهر عزیز زراعت کرده اند، حاصل شود.

#### صحابه مهاجر به نیشابور

یکی از صحابه حکم بن عمرو الغفاری است که عامل مال خراسان بوده، صحابی دیگر عطیه بن عمرو الغفاری برادر حکم بوده. صحابی دیگر عبدالله ابوزره اسلمی است که ساکن مدینه بوده و روایت است که به نیشابور فوت شد.

صحابی دیگر عامر بن سلیم الاسلمی است و میگویند او صاحب علم خواجه

ما صلوات الله و سلامه علیه بود بنسب سرفوت شد و نبیره او عمرویه گفت که جد من عامر بن سلیم وفات کرد و در نیشابور در گورستان ملقباد دفن شد. صحابه دیگر، عثمان بن ابی العباس الثقفی است و او از کبار صحابه بود. صحابی دیگر، مهلب بن ابی صفوه (ابی صفره) صحابی دیگر، قیس بن ابی ودیعه الانصاری از آن جماعت بود که با عبد الله بن عامر بخراسان آمد.

صحابه دیگر محقر بن اوس با حضرت صلوات الله علیه صحبت داشته. صحابی دیگر، قاسم بن عباس بن عبدالمطلب (پسر عم حضرت پیغمبر) با لشکر اسلام بغزا بخراسان آمد و با امیر المؤمنین حسن برادر رضاعی بود او به سرقند فوت شد و او را بحضرت صلوات الله و سلامه علیه مانند می گفتند. چون پسر عم بود <sup>۱۰۷</sup>.

صحابه دیگر، ابورفاعه تیم ابن اسد العدوی. صحابی دیگر عثمان بن حبیب از صحابه بود و با عبدالله بن عامر بخراسان آمد.

صحابه دیگر، همان (همام) کین نوبت از صحابه بود و با عبدالله بن عامر به نیشابور آمده و ساکن شد و او را در نیشابور اولاد و اعقاب بودند. صحابی دیگر، ابورشدين رفاعه و پسر او فریط هر دو بخراسان آمدند و ساکن شدند و ایشان را اولاد و اعقاب بود.

صحابه دیگر غالب بن عبدالله بن فضاله بن عبدالله صحابی بودی و حکومت خراسان وی را بود.

صحابه دیگر، عبدالرحمن سرقین حبیب ساکن بصره، شد برای غزای

سجستان، به نیشابور آمد، و در آبر شهر یعنی نیشابور ساکن شد و بعدها بمر و نقل کرد و آنجا وفات نمود و او را آنجا اولاد بودند .  
صحابی دیگر، سعید بن حرث ، بغزا یا لشکر اسلام بخراسان آمد و اینجا فوت شد .

صحابی دیگر ابوبکر انصاری بمر و بود و آنجا فوت شد و اولاد داشت به قریه نسابور نره .

صحابی دیگر، الخخام از قوت بن ابی الاسود بود و ابوالاسود از ملازمان امیر المؤمنین علی علیه السلام بود و به مقدمه علم نحو، از ایشان تعلیم گرفت، و علم نحو استنباط کرد و به خلیل بن احمد آموخت و خلیل به سیمویه آموخت و اقوام دیگر پس این علم منتشر شد و خخام را بمر و اولاد و آثار است.  
صحابی دیگر، العباس بن مرداس السلمی الشاعر با حضرت صلوات الله و سلامه علیه صحبت داشت و او را در مر و فرزندان بودند .

صحابی دیگر، اقرح و ورقه پسران حابس تمیمی .

صحابی دیگر، اس بن ثعلبة التمیمی است که با سعید بن عثمان بن عفان به خراسان آمد .

صحابی دیگر، کعب بن عمیه او را بمر و اولاد بود .

صحابی دیگر، عبدالله بن خازم سلمی والی نسابور از جانب عبدالله بن عامر و ساکن جوین شد و او را آنجا اولاد شدند .

صحابی دیگر، ابو عمرو انصاری در مر و <sup>۱۰۹</sup> در قریه بایشان، ساکن شد و او را اولاد بودند علماء و فقهاء .

صحابی دیگر، محمد مولی (غلام) حضرت خواجه ما صلوات الله و سلامه

۱۰۹- اسامی صحابه از صفحات ۱۱ و ۱۲ ترجمه تاریخ نیشابور ابو عبدالله الحاکم

نقل شده است .

علیه و از مرو بود و تجارت میکرد نام او ماناهیه بود مجوسی نمودی خود را ، ناگام نام حضرت ما شتود صلوات الله و سلامه علیه هجرت کرد و بحضرت خواجه آمد او را محمد نام نهادند و مولی حضرت شد و مسلمان بمرو مراجعت کرد و در مقابل در مسجد جامع مرو سرای او بود<sup>۱۰۹</sup> .

### تابعین

تابعین افرادی بودند که مسلمان شده و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله را ندیده ولیکن صحابه را دیده بودند . اکنون چند نفر از تابعین را ذیلاً قلمداد میکنیم :

- ۱- جعدة مخزومی که مادرش امهانی و خالش حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام بود و علم از حضرت ایشان آموخت و حدیث از ایشان روایت داشت.
- ۲- ابوسعید جراب بن عبدالله التمیمی الحن البصری الزاهد الفقیه الواعظ از تلامذه و تربیت یافته حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام بود کما هو المشهور.
- ۳- ابوسلیمان النیسابوری علم حدیث از انس بن مالک استفاده کرد.
- ۴- سعید بن عثمان بن عفان بمدینه متولد شد و با لشکر اسلام بغزای خراسان آمد و در آن لشکر صحابه و تابعین بودند و بنسب نیشابور آمد، و لشکر بماوراءالنهر برد و بخارا و سمرقند فتح کرد .
- ۵- طلحة الطلحات با لشکر سعید بن عثمان بن عفان بود بنسب نیشابور آمد .
- ۶- عبدالله صامت، و ابن صامت، پسر برادر ابی ذر غفاری بود .
- ۷- علقمة بن قیس النخعی از ملازمان و تلامذه حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام بود، علم از ایشان آموخت .
- ۸- عکرمه مولی عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب مدتی در نیشابور بود و قنوی داد<sup>۱۱۰</sup> .

۱۱۰- اسامی تابعین از ص ۱۲ و ۱۱ تاریخ ابوعبدالله الحاکم نقل شده .

- ۹- غیاث بن عبدالله از کبار اصحاب امیر المؤمنین علی علیه السلام بود .
- ۱۰- قتیبه بن مسلم، از علماء تابعین و والی خراسان بود .
- ۱۱- نصر بن عمر بن نافع مولی عبدالله بن عمر بن الخطاب بود .
- ۱۲- یزید بن المهلب والی بود

### اتباع التابعین

اکنون چند نفر از اتباع التابعین که بنیشابور آمده و جزو اعلام آنجا قرار گرفته‌اند ذکر میشود :

- ۱- داود بن سلیمان الجرجانی (داود القشیری) .
  - ۲- سفیان بن الثوری امام عصر و زاهد زمان بنسابور رسید در وقت رفتن بخارا .
  - ۳- سالم بن قتیبه چون جد خود والی خراسان بود .
  - ۵- عبدالله بن مبارک امام عصره فی الآفاق .
- و چون شهر نیشابور تا اندازه‌ای مرکز مهاجرین مسلمانان شد، روز بروز بر تعداد آنها افزوده گردید و دیانت اسلام پیشرفتهای نمایانی حاصل کرد و مساجد و مدارس دینی بنیان گذاشته شدند .

نیشابور رفته رفته بواسطه وفور علماء حدیث و فقهاء و مفسرین قرآن و دانشمندان لغت و نحو و سایر علوم متداوله زمان یکی از مراکز بسیار مهم درجه اول علوم دینی گردید بطوریکه از بلاد مختلفه اسلامی طالبان علم و علمای عصر به نیشابور آمده و در تقویت مبانی علمی مساعی فراوان مبذول داشتند و بطوری که سبق ذکر یافت اعلام نیشابور در چهار قرن ابتدای اسلام به ۲۶۸۵ نفر بالغ گردیده که ۸۸۹ نفر از اعلام مذکور از شهرهای مختلفه اسلامی باین شهر هجرت کرده و جزو اعلام آنجا شده‌اند و بقیه اعلام نیشابور از اهالی شهر نیشابور و اطراف آن بوده‌اند که ذکر اسامی آنها موجب طولانی شدن این وجیزه است .

اسامی اعلام نیشابور «تاریخ ابو عبدالله الحاکم» را آنچه مربوط بشهر نیشابور و اطراف آن بوده جداگانه یادداشت کرده و آنچه متعلق بشهرهای دیگر است علیحده در صفحاتی نوشته‌ام. اکنون اعلام نیشابور از شهرهای دیگر را به ترتیب حروف تهجی ذیلاً قلمداد میکنم تا اهمیت شهر نیشابور از نظر پیشرفتهای علمی و دینی روشن‌تر و واضح‌تر گردد.

### نام بزرگان و تعداد اعلام نیشابور

که از سایر بلاد به نیشابور آمده‌اند .

- ۱- از مملکت آندلس (اسپانیا) شش نفر برای تحصیل علم به نیشابور آمده و جزو اعلام نیشابورند .
- ۲- اسفراین، چهل نفر از اعلام نیشابور اهل اسفراین بوده‌اند .
- ۳- از استوا (قوجان کنونی) سیزده نفر جزو اعلام نیشابورند که یک نفر از آنها مسلمین حجاج بن مسلم است و «صحیح مسلم» منسوب باوست و کتاب صحیح او یکی از صحاح سه‌است و در شب یکشنبه ۲ رجب ۲۶۱ قمری فوت کرد و مقبره‌اش در سر میدان زیاد نیشابور بوده‌است .
- ۴- از اردبیل یک نفر بنام ابوالعباس الوراق محمد بن احمد بن عبدالله اردبیلی جزو اعلام نیشابور است .
- ۵- از ابهر زنجان، ابوبکر القاضی عبدالرحمن بن محمد بن علویه الابهری جزو اعلام نیشابور است و قضاء طوس و ابیورد را داشته .
- ۶- از ابیورد خراسان شش نفر جزو اعلام نیشابور بوده‌اند .
- ۷- از اشروسنه حامد بن ابی حامد الاشروسنی در نیشابور، درس حدیث میگفته‌است .
- ۸- از شهر بخارا در مدت چهار قرن پنجاه نفر بنیشابور آمده و جزو اعلام نیشابور قرار گرفته‌اند .

- ۹- از باخرز خراسان دو نفر جزو اعلام نیشابورند .
- ۱۰- از بسطام ( نزدیک شاهرود ) پنج نفر جزو اعلام نیشابورند .
- ۱۱- از شهر بست ( کاشمر حالیه و ترشیز سابق ) بیست و یک نفر جزو اعلام نیشابورند .
- ۱۲- از شهر بلخ پنجاه و سه نفر جزو اعلام نیشابورند .
- ۱۳- از شهر بردع که اکنون جزو خاک همسایه در قفقاز واقع شده چهار نفر از اعلام نیشابورند .
- ۱۴- از شهر بغداد که در نیمه دوم قرن دوم هجری بوجود آمده در ظرف دو قرن سوم و چهارم هجری چهل و یک نفر به این شهر هجرت کرده و جزو اعلام نیشابور گردیده اند .
- ۱۵- از شهر بصره بیست و دو نفر جزو اعلام نیشابورند .
- ۱۶- از شهر بوزجان ( بوزگان ) حاکم نشین سابق تربت جام خراسان که در دو فرسخی شرقی تربت جام خرابه های آن اکنون باقی است سه نفر از اعلام نیشابورند .
- ۱۷- از بیهق و سبزوار و از خسروگرد یک فرسنگی سبزوار بیست و یک نفر جزو اعلام نیشابور ذکر شده است .
- ۱۸- تربت حیدریه ثوبنیاد - که در بلوک زاوه آنجا وقوع دارد از رستاق زاوه، یک نفر بنام ابو عبدالله محمد بن احمد بن المثنی السعید النیشابوری از اعلام است که محدثی کثیر الحدیث بوده و بشهرها برای آموختن حدیث سفر کرده .
- ۱۹- از شهر ترمذ ترکستان شرقی سیزده نفر برای کسب علوم دینی به نیشابور آمده و جزو اعلام آنجا میباشند .
- ۲۰- حلوان - از شهر حلوان ابوالحسین محمد بن الفضل بن لؤلؤ الحلوانی جزو اعلام نیشابور است .
- ۲۱- از جوزجان - ( کوزه کنان ترکستان ) چهار نفر جزو اعلام نیشابورند .

- ۲۲- از جوین خراسان (گویان) هشت نفر جزو اعلام نیشابورند .
- ۲۳- از جنابد (گناباد قهستان) پنج نفر جزو اعلام نیشابورند.
- ۲۴- از شهر خجند ترکستان دو نفر بنام ابو عبدالله سلیمان بن اسرائیل الخجندی و ابو الفضل احمد بن یعقوب بن عمر بن الجنید بن موسی التمیمی جزو اعلام نیشابورند .
- ۲۵- از خوارزم دو نفر بنام ابو محمد عبدالله بن عبدالوهاب التمیمی الخوارزمی و ابوبکر محمد بن جریر الادیب الخوارزمی از اعلام نیشابورند .
- ۲۶- از شهر خوی آذربایجان محمد بن عبدالله الخوئی جزو اعلام نیشابور است .
- ۲۷- از خوواف تربت حیدریه خراسان ابو الحسن علی بن قاسم بن علی الخوافی الادیب الشاعر از اعلام نیشابور است .
- ۲۸- از شهر دینور (اراک) یکنفر بنام ابو محمد حسن بن محمد بن عبدالله الدینوری از اعلام نیشابور است .
- ۲۹- از شهر دمشق (سوریه) پنج نفر جزو اعلام نیشابورند .
- ۳۰- از شهر دامغان دو نفر بنام ابو الحسن احمد بن خالد دامغانی و ابو محمد الناجر عبدالعزیز بن محمد دامغانی از اعلام نیشابورند .
- ۳۱- از جلگه دهستان واقع در شمال بجنورد کنوئی در ساحل راست رودخانه آترک یکنفر بنام ابونصر عبدالؤمن بن عبدالملک الدهستانی از اعلام نیشابور است .
- ۳۲- از شهر رقه (عراق عرب) یکنفر بنام ابراهیم بن احمد بن عبدالله الرقی جزو اعلام نیشابور است و جد او در ایام طاهریه به نیشابور هجرت کرده بوده است .
- ۳۳- شهر ری یکی از مراکز علمی اسلامی قرون اولیه اسلام شهر ری است



مع الوصف در مدت چهار قرن صدر اسلام چهل و چهار نفر از شهر ری برای کسب علم و حدیث به نیشابور آمده و جزو اعلام نیشابورند .

۳۴- زورآباد - از نواحی مرزی خراسان با افغانستان است از این جلگه یکنفر بنام ابوالفضل محمد بن احمد بن الحسن بن زیاد القیسی النیسابوری الزورآبادی جزو اعلام نیشابور است و منزل او در کوچه رشته در دروازه معاذ نیشابور وقوع داشته است .

۳۵- زوزن - جای بسیار آبادی بوده و از نقاط مرزی خراسان و متصل به قایباد است و نام «ملک زوزن» در گلستان سعدی و کتب تاریخ مکرر دیده میشود و رجال عالی بزرگ در ادب و شعر و علوم دینی بزوزن منسوبند و اکنون این ناحیه بکلی خراب و فاقد آبادی و سکنه است و چند رشته از قنوات زوزن را در سالهای اخیر مفتوح ساخته اند و بقیه آبادیهای سابق زوزن بایر و لم یزرع است از زوزن دوازده نفر جزو اعلام نیشابور میباشد .

۳۶- ساوه - از شهر ساوه یکنفر بنام ابویعقوب یوسف بن اسمعیل بن یوسف الساوی ضمن اعلام نیشابور یاد کرده شده است .

۳۷- سمرقند - از شهر سمرقند ماوراءالنهر در ظرف چهار قرن صدر اسلام دوازده نفر برای کسب علم به نیشابور آمده و بعداً جزو اعلام نیشابور قرار گرفته اند .

۳۸- سرخس - شهر سابق سرخس اکنون داخل خاک همایه ایران است این شهر بسیار آباد و دارای رجال علمی بوده، از این شهر نوزده نفر جزو اعلام نیشابورند .

۳۹- سیستان - با اینکه سیستان فاصله زیادی با نیشابور دارد ندنفر اعلام نیشابور سیستانی بوده اند .

۴۰- سمنان - از شهر سمنان یکنفر بنام ابوالحسین عبدالله بن یونس بن

- عبدالله السمنانی از اعلام نیشابور است .
- ۴۱- شهر سوس - از شهر شوش خوزستان ایران ابوسعید محمد بن یوسف بن یعقوب السوسی جزو اعلام نیشابور است .
- ۴۲- ساس - از شهر شاش (چاچ) ترکستان سیزده نفر جزو اعلام نیشابورند که اهم آنها محمد بن علی بن اسمعیل ابوبکر القفال الشاشی است . (امام عصر به ماوراالنهر) .
- ۴۳- صفانی - از شهر چغانیان یکنفر بنام محمد بن المشیر الصفانی جزو اعلام نیشابور است .
- ۴۴- طالقان از شهر طالقان قزوین دو نفر بنام محمود بن خدای طالقانی و ابو محمد عبدالله بن بشر بن عمیره البکری الطالقانی جزو اعلام نیشابورند .
- ۴۵- طبرستان از مازندران یازده نفر ادیب و فقیه و واعظ و صوفی جزو اعلام نیشابورند .
- ۴۶- طرسوس شهر طرسوس در مرز بلاد اسلامی و رومیه سابق بوده و اکنون جزو بلاد ترکیه (عثمانی سابق) است و مدفن عبدالله مأمون خلیفه عباسی در آنجا بوده است و سه نفر از اهالی طرسوس جزو اعلام نیشابورند .
- ۴۷- طوس دشت طوس و شهرهای واقع در ناحیه طوس متصل بخاک نیشابور است در مدت چهار قرن ابتدای اسلام چهل و نه نفر از طوس برای کسب علم به نیشابور آمده و جزو اعلام نیشابورند .
- ۴۸- طبس از شهر طبس کیلکی (طبس حرما) چهار نفر ضمن اعلام نیشابور ذکر شده است .
- ۴۹- عدن در ساحل بحر احمر وقوع دارد. از آنجا یکنفر بنام ابو عمرو بکر بن احمد بن زکریا الشاهد المعروف بالعدنی از اعلام نیشابور است .
- ۵۰- فارس از ایالت فارس بیست و یک نفر جزو اعلام نیشابورند و در بین

- آنها فقیه و ادیب و نحوی و واعظ و مفسر و صوفی و مقری دیده میشود .
- ۵۱- فسا، از شهر فسا (مغربِ پسا) ی فارسی ابویوسف یعقوب بن سفیان القسوی امام اهل الحدیث جزء اعلام نیشابور است .
- ۵۲- فاریاب، از شهر فاریاب واقع در ترکستان شرقی که بعداً آنجا را « اترار » نامیده‌اند و امیر تیمور کورگان در « اترار » فوت کرده‌است. دو نفر بنام داود بن محراق الفاریابی و ابوعثمان سعید بن مشکان جزو اعلام نیشابورند .
- ۵۳- قزوین، از شهر قزوین هفت نفر جزو اعلام نیشابور بشمار می‌روند .
- ۵۴- قهستان مغرب کهستان شامل طبرستان و شرویه و تون (فردوس) و گناباد و قلین و روزن بوده‌است در مدت چهار قرن ابتدای اسلام یازده نفر از اعلام نیشابور قهستانی بوده‌اند .
- ۵۵- قم، از شهر قم ابوالحسن علی بن موسی بن زید الفقیه القمی امام اهل الرأی فی عصره از اعلام نیشابور است .
- ۵۶- قیروان، قیروان از بلاد شمال افریقا است و ابوعثمان سعید بن محمد بن سلمة العارف الزاهد المغربي ولادته بالقیروان فی قریة یقال لها کرکنت کان واحد عصره فی الورع والزهد والصبر و جاور مکه فوق العشرة و توفی بنیشابور سنه ثلاث و سبعین و ثلاث مائة و دفن بجنت ابی حفص و ابی عثمان فی الحیرة .
- ۵۷- کابل، از شهر کابل پای تخت کنونی افغانستان محمد بن الحسین الکابلی النیشابوری جزو اعلام نیشابور است .
- ۵۸- کسکر، کسکر از نواحی رشت و عبای کسکر منسوب بآنجا است و ابوطاهر محمد بن محمد بن سعید المعدل الکسکری النیشابوری جزو اعلام نیشابور ذکر شده‌است .
- ۵۹- کش، شهر کش (شهر سبز) در ترکستان شرقی وقوع دارد و مولد امیر تیمور کورگان در این شهر بوده‌است و از آنجا پنج نفر محدث و فقیه و زاهد

جزو اعلام نیشابورند .

۶۰- کلات، کلات از نواحی خراسان است و بکلات نادری معروف شده دو نفر بنام ابو محمد عمرو بن زراره بن واقد الکلاتی النیسابوری و ابو احمد محمد بن عبدالله الکلاتی النیسابوری جزو اعلام نیشابورند .

۶۱- کوفه از شهر کوفه واقع در عراق عرب دوازده نفر جزو اعلام نیشابورند .

۶۲- کرمان، از شهر کرمان پنج نفر جزو اعلام نیشابورند که اهم آنها ابو عبدالله محمد بن یعقوب بن یوسف الشیبانی است وله تصانیف کثیرة و هو صدر اهل الحدیث فی زمانه .

۶۳- گرگان، از شهر گرگان پنج نفر فقیه و ادیب و وریق و محدث و دانشمند جزو اعلام نیشابور ذکر شده است .

۶۴- مدین، از شهر مدین سه نفر بنام ابو جعفر حسن بن محمد بن جعفر المدینی الزاهد المدفون بمقبرة ملقباد الذی یزار و یرجا اجابة الدعاء و ابو عبدالرحمن محمد بن ابراهیم بن القاسم المدینی النیسابوری و ابو عبدالرحمن عبدالعزیز بن یحیی المدینی از اعلام نیشابورند بطالعات درستی

۶۵- مدینه، از شهر مدینه النبوی صلی الله علیه و آله، شش نفر در مدت چهار قرن صدر اسلام جزو اعلام نیشابور قرار گرفته اند که اهم آنها ابی الاسحق الاسحیح ابراهیم بن عبدالله بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام است که در نیشابور حدیث می گفته و در سال ۲۸۵ قمری رحلت کرده است .

۶۶- مرو، شهر مرو در شصت فرسنگی شرقی نیشابور وقوع دارد نود و چهار نفر از اهالی مرو در ظرف چهار قرن برای اکتساب علوم به نیشابور آمده و بین آنها فقیه و قاضی وزاهد و محدث و غیره یافته می شود و اهم آنها ابو العباس مروزی

- احمد بن معید بن مسعود است «قیل: ما اخرجت خراسان من الرؤسا مثل ابي العباس في الرأي والعقل والدها» .
- ۶۷- مروالرود، شهر مروالرود نزدیک شهر مرو وقوع دارد و چهار نفر از این شهر جزو اعلام نیشابورند .
- ۶۸- مصر، چهار نفر از اهالی مملکت مصر جزو اعلام نیشابور میباشند
- ۶۹- موصل، از شهر موصل عراق عرب ابوتراب محمد بن اسحاق بن محمد الموصلی جزو اعلام نیشابور است .
- ۷۰- مکه معظمه، از شهر مکه عطاء بن احمد ابی السایت المکی از اعلام نیشابور است .
- ۷۱- نسا، شهر نسا در نزدیکی عشق آباد خاک شوروی واقع بوده و خرابه‌های آن، زیر ریگ روان مدفون شده است . از شهر نسا بیست و پنج نفر جزو اعلام نیشابورند و اهم آنها ابو العباس حسن بن سفیان بن عامر بن عبدالعزیز بن النعمان بن عطاء الشیبانی النسوی است که اهل قریه بالوز سفرسنگی نسا بوده و محدث معروف خراسان و در سال ۳۰۳ قمری فوت کرده است .
- ۷۲- نوقان، شهر قدیمی جلگه طوس نوقان است و اکنون جزو محلات شهر مشهد مقدس است و بشرحی که در مورد طوس نوشته شد چهل و نه نفر از طوس (طابران) و سه نفر از نوقان طوس بنام ابوتراب احمد بن محمد بن الحسین الواعظ الطوسی النوقانی و ابو الحسن علی بن جعفر بن عبدالله الطوسی النوقانی و ابی بکر ابی تراب المسافری النوقانی جزو اعلام نیشابورند لذا جلگه طوس پنجاه و دو نفر از اعلام نیشابور را شامل است .
- ۷۳- واسط، از شهر واسط عراق عرب چهار نفر جزو اعلام نیشابورند .
- ۷۴- هرات، از شهر هرات که مرکز دیگر علوم اسلامی بوده در چهار قرن ابتدای اسلام چهل و هفت نفر برای اکتساب علوم دینی به نیشابور آمده و

جزو اعلام نیشابورند و خواجه عبدالله انصاری معروف به پیر هرات مدتی را در نیشابور بتحصیل اشتغال داشته‌است .

۷۵- همدان، از شهر همدان پنج نفر از اعلام نیشابورند و اهم آنها ابو حامد المزوری احمد بن الحسین بن علی قاضی القضاة خراسان است که پدرش همدانی بوده‌است .

۷۶- یزد، از شهر یزد دونفر بنام ابو محمد التاجر عبدالله بن محمد بن بهمن الیزدی و محمد بن احمد بن جعفر الیزدی از اعلام نیشابور میباشند

۷۷- یمن، از مملکت یمن واقع در ساحل بحر احمر دونفر بنام ابو جعفر محمد بن علی العلوی الیمانی و مسلم بن عبدالعزیز الیمانی ابو عبدالله الخصیب از اعلام نیشابور میباشند .

خوانندگان عظام توجه خواهند فرمود که بواسطه اهمیت و مرکزیت علمی نیشابور از هفتاد و هفت شهر اسلامی که در شرق و مغرب و شمال و جنوب نیشابور واقع بوده افرادی برای کسب علوم اسلامی به نیشابور هجرت کرده و جزو اعلام و بزرگان شهر نیشابور بشمار رفته‌اند .

این کیفیت می‌رساند که شهر نیشابور بهترین محل برای کسب علوم و فنون بوده و مدرسین عالی مرتبه همواره محافل درس شهر نیشابور را به بهترین وضعی اداره میکرده‌اند .

تدریس مدرسین بقدری قوی و اساسی بوده که در چهار قرن صدر اسلام دوهزار و شصت و هشتاد و پنج نفر را جزو اعلام و اشخاص سرشناس و مؤلفین و مصنفین و شعرا و لغویین و نحویین این شهر قرار داده‌است .

بعضی از اعلام شهر نیشابور .

اکنون نام چند نفر از اعلام اهالی شهر نیشابور را بمقداری که این وجیزه اقتضا دارد ذیلاً معروض می‌داریم :

- ۱- ابوعقوب اسحق بن محمد بن مطر الحنظلی راهویه در نیشابور بود و همانجا در گذشت. عبدالله بن طاهر امیر خراسان پرسید چرا ترا راهویه میگویند؟ گفت در راه مکه متولد شدم باین جهت مرا راهویه میگویند یعنی در راه بدنیا آمده، پدرم از این اسم خوشش نمی آمد ولی من از این عنوان اکراه ندارم.
- ۲- ابو محمد احمد بن حریس قاضی نیشابور و هرات.
- ۳- حمد بن خاج بن القاسم العامری و او را مسجدی در نیشابور بوده.
- ۴- ابو عبدالله احمد بن سنان القشیری الخرقنی که خرکن قریه خارج شهر نیشابور بوده است.
- ۵- احمد بن علی بن حمویه النحوی النیشابوری.
- ۶- احمد بن محمد بن قصر معروف بمعاذ نیشابوری.
- ۷- ابوالحسن ایوب بن الحسن الفقیه الزاهد، مسجد و منزل او در محله نصر آباد نیشابور و قبر او در سر میدان زیاد بوده.
- ۸- ابوسعید اشرف بن محمد قاضی نیشابوری از یاران ابویوسف قاضی.
- ۹- ابوعلی غلام عبدالله بن مبارک که نصرانی بود و اسلام پذیرفت و از ائمه مسلمین گردید.
- ۱۰- ابواحمد محدث که حدیث بسیار نقل می کرد.
- ۱۱- ابو عبدالله المطوعی النیشابوری صاحب صومعه و مسجد بوده و مردم بصومعه و مسجد او تبرک می جستند.
- ۱۲- خشنام الصدیق نیشابوری که منزل او در بازار عمار در کوچه معن آباد بوده است.
- ۱۳- ابو محمد زیاد بن عبدالرحمن که میدان زیاد به نیشابور منسوب باوست
- ۱۴- زنجویه بن عبدالرحمن العابد النیشابوری و او را زنجویه حیری می گفتند و از محله حیره بود.

- ۱۵- ابوالقاسم سهل بن بشر بن ابوالقاسم الفقیه ملقب به سهلویه .
- ۱۶- سعید بن الصباح نیشابوری برادر یحیی که محله و کاروانسرائی به آنها منسوب است .
- ۱۷- سعید بن سلام بن قتیبه بن مسلم والی نیشابور .
- ۱۸- ابوطحاه طاهر بن الحسین بن مصعب بن زریق بن شادان الخزاعی ذوالیمینینی والی خراسان .
- ۱۹- ابوالقاسم طاهر بن عبدالله بن عطا امیر خراسان که در رجب ۲۴۸ قمری فوت کرده است .
- ۲۰- عبدالله بن هرون بن عبدالله بن مامون بن هارون الرشید خلیفه عباسی که در نیشابور از علماء بشمار می رفته است .
- ۲۱- عبدالله بن یوسف بن خرشید الدویری النیشابوری و دویر قریه ای بر دروازه نیشابور بوده .
- ۲۲- ابو محمد عبدالله بن مخلد التمیمی النیشابوری النحوی .
- ۲۳- ابو عبدالرحمن عبدالله بن محمد برهانی النحوی النیشابوری .
- ۲۴- ابو العباس عبدالله بن طاهر بن الحسین بن مصعب بن زریق الخزاعی امیر نیشابور .
- ۲۵- عبدالرحمن بن عمار النیشابوری الشهد و کوچه عمار منسوب به پدر اوست .
- ۲۶- ابو الصلت عبدالسلام بن صالح بن سلیمان بن میسره خادم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام بوده است .
- ۲۷- علی بن جمعه بن هانی بن قنبر غلام حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام که هانی پسر قنبر باتفاق جعد بن هبیره خواهرزاده حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام به نیشابور آمد و آل قنبر در نیشابور خاندان بزرگی



بوده است .

۲۸- ابوالحسن علی بن الحسن بن موسی الهلالی الدار اجدردی و دار اجدرد

محلای متصل بشهر نیشابور بوده .

۲۹- ابوالحسن علی بن مخلد بن شیبان النیسابوری که منزل او در چهار

سوی کوچه زنجویه بوده .

۳۰- عقیل بن خویلد بن معاویه بن سعید که خدمت حضرت رسول صلی الله

علیه و آله رسیده بود .

۳۱- ابونصر شاهنبری فتح بن رخ بن ستان بن رشد بن عبدالله العامری و

«شاهنبر» محلای بوده در علیای شهر نیشابور .

۳۲- ابوعبدالله الفقیه الادیب محمد بن ابراهیم بن سعید بن عبدالرحمن

العبدی به نیشابور آمد و همانجا مرد .

۳۳- ابوجعفر الدیاج محمد بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن

ابی طالب علیه السلام به نیشابور آمد و نزد مشایخ نیشابور تحصیل کرد و در گرگان

در گذشت و قبر او آنجاست .

۳۴- ابوعبدالله السمرانی الطوافی محمد بن الحسین بن طرخان النیسابوری و

بازار طرخان نیشابور منسوب باوست .

۳۵- ابوبکر الفقیه الزاهد محمد بن داودیه بن منصور که در صفر ۲۶۵

قمری فوت کرد و در گورستان محله حیره، دفن شد .

۳۶- ابوعبدالله محمد بن رافع بن ابی زید القشیری شیخ عصر خود، دو منزل

او در بازار اولی، از باغ زارس قرار داشته .

۳۷- ابواحمد الفقیه الارباب محمد بن عبدالوهاب بن حبیب بن مهران العبدی

الفرا و او اعقل مشایخ و ملقب به «حمد» بود و نیشابوریان محمد را «حمد» و

«حمش» می گویند و اولاد خود را ملقب به «حمد» می نمایند .

۳۸- ابو عبدالله النیسابوری محمد بن عقیل بن خویلد بن معاویه بن سعید الخزاعی از اعیان علماء صالحین و مسجد و مناره واقع در سر کوچه حرب منسوب باواست .

۳۹- ابو عبدالله الذهلی محمد بن یحیی بن عبدالله بن خالد بن فارس النیسابوری امام عصر خود در علم حدیث بوده .

۴۰- ابوالحسین القشیری النیسابوری مسلم بن حجاج بن مسلم مؤلف «صحیح مسلم» که منزل او در بالای محله «زمجار» نیشابور وقوع داشته و معاشش از املاکی که در استوا (قوچان کنونی) داشته می‌رسیده و در رجب سال ۲۶۱ قمری فوت کرده و مقبره او در سر عیدان زیاد نیشابور بوده است .

۴۱- مسلم بن الحسین بن معاذ بن مسلم النیسابوری و او سفیان بن سعید الثوری را دیده بود .

۴۲- ابو محمد نصر بن زیاد بن نهیگ قاضی نیشابور بر مذهب کوفیون بود و در سن ۹۶ سالگی در سال ۲۳۶ قمری در گذشت .

۴۳- ابو محمد نصر بن محمد بن النصر بن سلمه بن الحرود بن یزید النیسابوری البیشکی و بیشک قصبه «رخ» است و قبر او در آنجاست و زیارت میشود و یحیی بن منصور قاضی گفت : که سعید بن عثمان بن عفان که بخراسان سفر میکرد از راه اصفهان به بیشک (جلگه رخ نیشابور) آمد و بیمار شد و در بیشک زن گرفت و دختری از زن بیشکی پیدا کرد و او را عین النساء نامید، آن دختر را محمد بن نصر بیشکی که از علماء زمان بود بزرگی گرفت و خداوند پسری باو عنایت فرموده نام او را نصر گذاشت و این نصر بن محمد البیشکی جد پدر ابی الحسن المحمّی النصر بن سلمه بن عروه ابو سعید نیشابوری است .

۴۴- محمد بن یحیی بن محمد بن یحیی بن عبدالله بن خالد بن فارس الذهلی امام نیشابور در فتوی و ریاست بود و بازار و مسجدی منسوب باواست و شهید شد

- ۴۵- یحیی بن حماد کاتب عبدالله بن طاهر والی خراسان بود و او نیشابوری است.
- ۴۶- یوسف بن یحیی النهلی برادر امام محمد بن یحیی شهید است.
- ۴۷- ابوالاسود کسی که محله ای الاسود در اعلاهی شهر نیشابور منسوب باوست و دروازه ای که برآه کوه منتهی میشود.
- ۴۸- ابراهیم بن اسحق بن حمدان بن عبدالله الثقفی النیسابوری ساکن بغداد شد تا مرد و احمد بن حنبل او را احضار و با او مزاح می کرد و نزد او افطار می نمود.
- ۴۹- ابراهیم بن محمد بن نوح بن عبدالله بن خلد بن اشرف ابواسحق المزکی النیسابوری که پدرش مکی ابوطالب بود و عبدالله بن سعید می گفت: من مثل ابراهیم بن ابی طالب ندیدم و در ۲۹۵ قمری در گذشت و در قبرستان حسین بن معاذ دفن شد و ابو عبدالله محمد بن یعقوب حافظ می گفت: در شهر ما نیشابور در حدیث مانند محمد بن یحیی و مسلم بن الحجاج و ابراهیم بن ابی طالب کسی نبوده است و ابراهیم بن ابی طالب را در علم حدیث تصانیف است.
- ۵۰- ابواسحق المالکی ابراهیم بن محمود بن حمزة الفقیه معروف به قبطان مسجد و مدرسه اش معروف بمیان دیه بود و بعد از او مالکیه در نیشابور مدرسند.
- بمنظور احتراز از تطویل کلام از ذکر بقیه رجال علم و حدیث و دانشمندان و بزرگان نیشابور قدیم خودداری شد و ضمناً متذکر است که تعداد اعلام مذکور در «تاریخ ابو عبدالله الحاکم» متعلق به چهار قرن صدر اسلام است در قرن پنجم و ششم و اوایل قرن هفتم هجری بزرگان دیگری در هر یک از رشته های علوم متداوله آن عصر در نیشابور بتعلیم و تدریس اشتغال داشته اند که برای ذکر اسامی و تألیفات و حالات آن بزرگان به کتب رجال و سایر کتبی که بمنظور

وافی باشد باید مراجعه شود و انجام این نظر به چند سال مطالعه و تحقیق و بررسی و دقت نیازمند است و امید است افرادی که استعداد و فرصت بیشتری دارند باین امر مهم اقدام فرمایند .

در خاتمه این مقال بمورد است که چند شعر فنوحی بلخی را که بغلط بنام انوری ابیوردی شهرت یافته یادآور شوم زیرا در این قطعه، شعری در مورد نیشابور گفته شده که مؤید و مبین تمام مفاد این وجیزه میباشد و اشعار فنوحی بلخی اینست :

چهار شهر است خراسان را در چار طرف که وسطشان بمسافت کم، صد درصد نیست  
گرچه معمور و خرابش همه مردم دارد نجانست که آبستن دیو و دد نیست  
مرو، شهری است بترتیب همه چیز دراو جدو هزلش متساوی و هری هم بد نیست  
بلخ شهری است در آگنده باو باش و رونود در همه شهر و نواحیش یکی ریخر که نیست  
حبذا شهر نشاور که در روی زمین گریه است همان است و گرنه خود نیست  
مصر جامع را چاره نبود از بدونیک معدن زر و گهر بی سرب و بسد نیست

نیشابور سوانح بسیار داشته مدتها حکام خلفای اموی در این شهر حکومت کرده و در زمان خلفای عباسی سالها اخفاد ظاهر ذوالیمینین حکمروائی داشته اند تا بدست یعقوب بن لیث صفاری طومار حکومت آنها در نور دیده شد .  
بعد از صفاریان سلسله سامانی نیشابور را در حیطه تصرف داشته و پس از سامانیان سلاطین غزنوی در نیشابور فرمان روا بودند . بعد از غزنویان سلاطین سلجوقی بد نیشابور راه یافته و فتنه غز در سلطنت سلطان سنجر سلجوقی سال ۵۳۶ قمری حادث شد و در این سانحه نیشابور غارت و قتل عام گردید و خرابی زیاد بآن وارد آمد . پس از سلاطین سلجوقی نوبت سلطنت بخوارزمشاهیان رسید و در عهد محمد خوارزم شاه که مغولها او را محمد اغری یعنی محمد دزد می گفتند در سال ۶۱۸ قمری شهر نیشابور بدست لشکر مغول قتل عام و غارت و خراب گردید

و روی خرابه‌های شهر که تسطیح شده بود زراعت کاشتند و بیشتر کتب و آثار بزرگان نیشابور ضمن خرابی آنجا در زیر خاک مدفون شد و این هجوم و قتل عام لشکر مغول چنان ضربتی به نیشابور زد و چنان خرابی به بار آورد که مرکزیت علمی نیشابور را از بین برد و تا بحال که هفتصد و هفتاد سال از این واقعه جانگداز خانه‌برانداز می‌گذرد شهر نیشابور نتوانسته است قامت راست کند و موقعیت سابق خود را بازیابد.

این نکته نیز قابل توجه است که شهر نیشابور در طول عمر خود چندین نوبت در اثر زلزله شدید دچار خرابیها و صدمه گردیده است و بیان سوانح مختلفه نیشابور موکول بفرستی دیگر است و خلاصه سخن اینست که نیشابور مرکز خراسان و قدیم‌ترین پایگاه علوم اسلامی در ایران بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی